



پایین بودن
احتمال ابتلای
کودکان به عوارض
شدید کرونا تایید شد



اتمر:

پاکستان اگر درباره‌ی صلح
و ثبات منطقه‌ای جدی است،
در روند صلح افغانستان
همکاری کند

اطلاعات روز: محمدحنیف اتمر، وزیر خارجه‌ی افغانستان در یک مصاحبه با نشریه‌ی فارن پالیسی، از پاکستان خواسته است که اگر در مورد صلح، ثبات و رفاه منطقه‌ای جدی است، در روند صلح افغانستان کمک کند...

صفحه ۲

کودکان پل سرخ
مثلا بازی می‌کردند

صفحه ۳

برای دستیابی
به صلح، باید برنده‌ی
میدان جنگ باشیم



صفحه ۷

یادداشت روز

برخورد قومی با
مقاومت مردمی،
خودکشی نظام است

زمانی که جنگ‌جویان طالبان، سرمست از پیشروی و پیروزی‌های برق‌آسا در شمال کشور، ولسوالی‌ها را یکی پس از دیگری تصرف می‌کردند، روحیه‌ی عمومی ناگهان سقوط آزاد کرد. طالبان علاوه بر دست‌یافتن به پیروزی‌های چشمگیر جنگی و تاکتیکی، از تصرف ولسوالی‌ها، برای یک هدف استراتژیک سیاسی و تبلیغاتی نیز استفاده می‌کردند. این گروه مدعی بودند که بیش از صد ولسوالی را بدون درگیری و مقاومت چندانی تصرف کردند زیرا مردم با حضور این گروه در مناطق‌شان نه تنها مشکلی ندارند که از سقوط این ولسوالی‌ها استقبال نیز کرده‌اند. در اوج پیشروی‌های سریع طالبان به قلب ولسوالی‌های شمال، ناگهان ورق برگشت. موجی از بسیج‌های مردمی از بدخشان تا هرات و از غور تا بغلان در بیش از ده ولایت کشور سر برآوردند. هزاران نفر از ساکنان بومی این ولایات با برداشتن اسلحه، حمایت‌شان از نیروهای امنیتی و حکومت افغانستان در برابر طالبان را اعلام کردند...

۲

عبدالله:

تشدید حملات طالبان سبب خشم ملت شده است

همزمان با افزایش حملات گروه طالبان در کشور، عبدالله عبدالله، رئیس شورای عالی مصالحه‌ی ملی می‌گوید که این موضوع سبب خشم ملت افغانستان شده است. شورای عالی مصالحه‌ی ملی با نشر خبرنامه‌ای گفته است که آقای عبدالله این گفته‌ها را دیروز (شنبه، ۱۹ سرطان) در دیدار با راس ویلسون، سرپرست سفارت امریکا در کابل، مطرح کرده است.



صفحه ۲

۴ نقشه‌گو

آن‌چه قلم به دستم داد و گفت بنویس، عشق بود

آفتاب می‌سوزد/ و باران امانش نمی‌دهد...
آن روزها که حال من نیز شبیه حال تک‌درخت کوچک وسط بیابان بود، کنجکاو شدم که شاعر این شعر را بشناسم. البته اسم شاعر، یعنی «شکریه عرفانی» پایین شعر نوشته شده بود، ولی یک اسم برای من کافی نبود، می‌خواستم بیشتر بدانم...

اشاره:

سال‌ها پیش که هنوز انترنت نبود و مجله‌ها قدر و قیمت داشتند، در مجله‌ای شعری خواندم از شاعری که حالش را به حال تک‌درخت کوچک پیش خانه تشبیه کرده بود. «تو نیستی/ نیستی تو/ و حالم/ درست شبیه حال تک‌درخت کوچک پیش خانه است/ که تا کمر/ در شهوت

۵ گزارش



از سرگیری نشست‌ها در دوحه؛ جدی ولی دور از چشم رسانه‌ها

پس از ماه‌ها وقفه و بن‌بست در روند مذاکرات بین‌الافغانی صلح در قطر، اکنون گروه‌های تماس هیأت‌های مذاکره‌کننده صلح دولت جمهوری اسلامی افغانستان و گروه طالبان دوباره به میز مذاکره برگشته‌اند و در ۱۰ روز گذشته، ۴ نشست پیرامون از سرگیری...

ترجمه

طالبان «تنها چالش» حکومت افغانستان نیست

هفته پیش نیروهای امریکایی میدان هوایی بگرام را بی‌سروصدا به ارتش افغانستان واگذار کردند. رئیس‌جمهور اشرف غنی و عبدالله عبدالله پس از دیدار با رئیس‌جمهور بایدن و اعضای کنگره در واشنگتن تازه به کابل بازگشته بودند. در واشنگتن به آن‌ها اطمینان داده شد که حمایت حیاتی ایالات متحده ادامه می‌یابد.

اما از زمان اعلام تصمیم خروج نیروهای امریکایی از افغانستان، جنگ‌جویان طالبان با تشدید کارزار نظامی خود ولسوالی‌هایی را در خارج از مراکز قدرت سنتی این گروه تصرف کرده‌اند. روز چهارشنبه هفته گذشته شورشیان طالبان [برای مدت کوتاهی] مرکز ولایت بادغیس را تصرف کردند. با این‌که نیروهای امنیتی افغانستان چند ساعت بعد به آن‌جا اعزام شدند [و حمله طالبان را پس زدند] اما حمله بی‌باکانه طالبان باعث طرح این پرسش از...

۳



بسته های ویژه اینترنتی برای بلاک های رهائشی و خانه های انفرادی



ظهور بسیج‌های مردمی در شمال، هرچند که تاکنون در قیاس با پیشروی‌های سریع طالبان، کاری از پیش نبرده اما روح تازه‌ای به روحیه‌ی روبه‌افول فضای عمومی دمید.

با آغاز شکل‌گیری بسیج‌های مردمی، استقبال گسترده‌ای در حکومت افغانستان از دست‌به‌ماشه‌شدن این نیروها صورت گرفت. حکومت افغانستان به‌صورت رسمی از شکل‌گیری این نیروها حمایت و اعلام کرد که از این نیروها به حد کفاف و نیاز، حمایت تجهیزاتی صورت خواهد گرفت.

اما پس از چند روز، روند حمایت از بسیج نیروهای مردمی در حکومت افغانستان فروکش کرد. نه‌تنها تمایل حکومت افغانستان برای حمایت از این نیروها به اکراه رفت که برخی مقامات صاحب‌صلاحیت در حکومت و از آن‌جمله فضل‌محمود فضلی، به تلویح گفت که حکومت افغانستان ملیشه‌سازی را تحمل نخواهد کرد.

برخی از گزارش‌ها حاکی از آن است که رییس‌جمهور غنی پس از برگشت از سفر واشنگتن، تمایلش به حمایت از خیزش‌های مردمی را به مخالفت با تجهیز و حمایت همه‌جانبه از این نیروها تغییر داده و سعی می‌کند به‌جای حمایت از این نیروها، پولیس محلی که یک سال قبل لغو شده بود را مجدداً فعال کند.

برخی از چهره‌های سیاسی که خود به‌صورت مستقیم یا غیر مستقیم در امور شکل‌دهی بسیج‌های مردمی دخیل هستند، به‌صورت مستقیم و غیرمستقیم از کوتاهی و تعلل حکومت در تجهیز این نیروها یا برخورد قومی با آن سخن گفته‌اند. باری عظامحمد نور که برای مبارزه با پیشروی طالبان به بلخ رفته است، در جریان یکی از عملیات‌های نظامی علیه طالبان اعلام کرد که از طرف حکومت حمایت کافی صورت نمی‌گیرد. حزب جنبش ملی، بزرگ‌ترین شاکی در این اعتراض است. به‌تازگی بابر فرهنگه معاون شورای عالی مصالحه ملی گفته است که حکومت در حمایت از خیزش‌های مردمی سلیقه‌ای و قومی عمل کرده و به جناح‌های سیاسی که در سرقومندانی اعلا‌ی قوای مسلح، نمایندگان مؤثر بر تصمیم‌گیری‌ها ندارند، هیچ توجهی صورت نمی‌گیرد.

خطا نیست اگر بگوییم برخورد قومی و سلیقه‌ای با نیروهای بسیج مردمی و مواجهه با این نیروها به‌عنوان «تهدید»، برای نظام سیاسی که عملاً دستکم ۷۰ درصد قلمروش را از دست داده است، حکم نوشیدن شوکران خودکشی را دارد. ده‌ها ولسوالی به دست طالبان به سرعتی برق‌آسا سقوط کرد. برخی از مهم‌ترین شهرها از چهارسو در محاصره کامل قرار گرفته است. در برخی از شهرها، طالبان پس از کامل‌کردن حلقه‌ی محاصره‌ی‌شان، عملاً وارد برخی از ساحات داخل شهر شده‌اند. در چندین ولایت، همه‌ی ولسوالی‌ها در تصرف طالبان قرار دارند و از تمام اراضی این ولایات، فقط مرکز ولایت در تصرف نیروهای امنیتی باقی مانده است. در چنین وضعی، تعلل در حمایت کافی از بسیج مردمی، تبرزدن به ریشه‌ی خویشتن است.

علاوه بر ضرورت جنگی و نظامی، به لحاظ سیاسی نیز و حتا بیشتر از دلایل نظامی، حمایت از بسیج مردمی یک فوریت استراتژیک است، زیرا روایت طالبان مبنی بر استقبال مردم از ورود جنگ‌جویان این گروه به اراضی تحت کنترل دولت افغانستان را ویران می‌کند. اگر برخورد سلیقه‌ای و قومی با نیروهای بسیج مردمی و تعلل در حمایت کافی از این نیروها ادامه یابد، ممکن است قیمت و هزینه‌ی این نوع مواجهه، در حد سقوط یا قرار گرفتن در لبه‌ی پرتگاه سقوط سنگین و ویران‌گر باشد.

اطلاعات روز: همزمان با افزایش حملات گروه طالبان در کشور، عبدالله عبدالله، رییس شورای عالی مصالحه‌ی ملی می‌گوید که این موضوع سبب خشم ملت افغانستان شده است.

شورای عالی مصالحه‌ی ملی با نشر خبرنامه‌ای گفته است که آقای عبدالله این گفته‌ها را دیروز (شنبه، ۱۹ سرطان) در دیدار با راس ویلسون، سرپرست سفارت امریکا در کابل، مطرح کرده است.

به نقل از خبرنامه، آقای عبدالله گفته است که مردم افغانستان در مقابل تشدید حملات طالبان به دفاع و مقاومت روی آورده‌اند و این گروه با زور نمی‌تواند در افغانستان پیروز شود.

او صلح را تنها راه‌حل مسأله‌ی افغانستان خوانده و افزوده است: «پابندی و تعهد به صلح به این معنا نیست که ما در برابر حملات طالبان بی‌تفاوت بمانیم.»

رییس شورای عالی مصالحه‌ی ملی تأکید کرده است که مردم افغانستان، رهبران سیاسی و تمامی اقشار جامعه متحده‌اند در کنار نیروهای امنیتی قرار دارند و از کشور دفاع می‌کنند.

از سویی هم، او گفته است که طالبان با تشدید جنگ و حملات بیشتر در استفاده از فرصت برای دست‌یافتن به صلح تعلل کرده‌اند. به گفته‌ی عبدالله عبدالله، جمهوری اسلامی افغانستان اما با حسن نیت به صدای صلح لبیک گفته است.

اطلاعات روز: آنتونی بلینکن، وزیر خارجه‌ی ایالات متحده امریکا با شاه‌محمود قریشی، وزیر خارجه‌ی پاکستان تلفنی صحبت کرده است. این تماس تلفنی روز جمعه، ۱۸ سرطان انجام شده است.

وزارت خارجه‌ی امریکا در اعلامیه‌ای گفته است که دو طرف در این تماس تلفنی در مورد روابط دوجانبه‌ی امریکا و پاکستان، اهمیت ادامه‌ی همکاری‌های دو کشور در روند صلح افغانستان و همچنین تلاش‌های مشترک برای مقابله با همه‌گیری کووید۱۹ صحبت کرده‌اند.

پاکستان اجازه‌ی هیچ گونه فعالیتی را علیه پاکستان ندهد.

این درحالی است که از نظر حکومت افغانستان، گروه طالبان افغانستان و تحریک طالبان پاکستان هر دو گروه‌های تروریستی اند و افغانستان در برابر هر دو گروه مبارزه می‌کند.

با این حال، وزیر خارجه‌ی افغانستان به فارن پالیسی گفته است که گروه‌های تروریستی همه در اصالت بد هستند و انتخاب تروریست نباید یک سیاست باشد. او استدلال کرده است که اگر [پاکستان]

بخواهد روی یک گروه به امید این که گروه‌های دیگر به آن کشور آسیب نرسانند، تمرکز کند، واقع‌بینانه نیست و گروه‌های تروریستی دیگر به دنبال پاکستان خواهند آمد.

همزمان با این، محمدحنیف اتمر در این مصاحبه به نقش چین در افغانستان نیز اشاره کرده است. آقای اتمر گفته است که چین در ایجاد اجماع منطقه‌ای، همکاری با

سرپرست سفارت امریکا در کابل هم گفته است که تشدید جنگ به پیچیدگی وضعیت می‌افزاید.

او افزوده است که امریکا و جامعه‌ی جهانی خواهان روند صلح و ختم و جنگ خشونت اند. او اما خاطرنشان کرده است که آن‌ها به دفاع از مردم افغانستان متعهدند، جنگ را راه‌حل نمی‌دانند و طرف‌دار خشونت و استفاده از زور نیستند.

این درحالی است که گروه طالبان در ماه‌های اخیر به حملاتش در بخش‌هایی از کشور شدت بخشیده‌اند. این گروه در بیش از دو ماه گذشته، حدود ۹۰ ولسوالی را سقوط داده‌اند.

دولت افغانستان هم تأیید کرده است که

وزیران خارجه‌ی امریکا و پاکستان در مورد صلح افغانستان تلفنی گفت‌وگو کردند

آنتونی بلینکن خود نیز در توییتی نوشته است: «من مشتاقانه منتظر ادامه‌ی همکاری دوجانبه [امریکا و پاکستان] در روند صلح افغانستان، مبارزه با کرونا، حمایت از ثبات

منطقوی و دیگر موضوعات کلیدی هستیم.»

شاه‌محمود قریشی نیز در توییتی نوشته است که با همتای امریکایی‌اش در مورد روابط دوجانبه و پیشرفت‌ها در منطقه صحبت کرده است. او نوشته است: «پاکستان متعهد است که رابطه‌ی پایدار در بخش‌های همکاری اقتصادی، اتصال و صلح شکل دهد. ما یک همکار و شریک مصمم برای صلح در افغانستان باقی می‌مانیم.»

اتمر:

پاکستان اگر درباره‌ی صلح و ثبات منطقه‌ای جدی است، در روند صلح افغانستان همکاری کند

مخدر و استخراج غیرقانونی معادن را منبع درآمدزایی برای شورش در افغانستان دانسته و گفته است که کسانی هم هستند که افغانستان را نه برای مردم افغانستان، بلکه برای مواد مخدر و تروریسم بین‌المللی می‌خواهند.

اتمر خاطرنشان کرده است: «خواست مردم افغانستان این است که کشور ما عاری از تروریسم، مواد مخدر، اقتصاد جنگ و جرایم سازمان‌یافته از جمله قاچاق انسان، سلاح، اخاذی و غارت منابع عامه باشد.»

او در ادامه گفته است که هیچ کشوری بیشتر از افغانستان از این بابت متضرر نشده است. وزیر خارجه در این مصاحبه به گروه طالبان پیشنهاد کرده است که به صلح تن بدهند و اگر دیدگاه سیاسی برای افغانستان افغانستان دارند، مطابقت با ارزش‌های دین و ارزش‌های جهانی را انتخاب کنند. به گفته‌ی اتمر، این ارزش‌ها، طالبان را به مشارکت متمدانه، مسالمت‌آمیز و از نظر سیاسی قابل قبول، راهنمایی می‌کند.

پاکستان در حمایت از روند صلح و اعمال فشارهای لازم بر طالبان نقش دارد.

به گفته‌ی اتمر، چین به ایالات متحده‌ی امریکا روشن کرده است که افغانستان محل همکاری برای منافع مشترک است و دو کشور باید از این مزیت استفاده کنند.

وزیر خارجه‌ی کشور در پاسخ به پرسش فارن پالیسی گفته است که در افغانستان دو سناریو وجود دارد. سناریوی اول به گفته‌ی آقای اتمر، افغانستان صلح‌آمیز است که به نفع مردم افغانستان، منطقه و جهان است. از نظر اتمر، سناریوی دوم جنگی بی‌پایان خواهد بود.

اتمر در این مصاحبه به منطقه و جامعه جهانی هشدار داده است که سناریوی دوم فقط یک جنگ داخلی نخواهد بود، بلکه به شبکه‌های تروریستی فراملی و گروه‌های جنایت‌کار سازمان‌یافته اجازه خواهد داد تا در همکاری با یکدیگر، منافع منطقه و جامعه جهانی را تهدید کند.

حنیف اتمر در این مصاحبه، قاچاق مواد

رییس‌جمهور غنی: تجهیزات نیروهای هوایی در امارات متحده عربی ترمیم می‌شود

که شماری از نظامیان دولتی به‌دلیل عدم حمایت هوایی و کمبود امکانات و تجهیزات، پاسگاه‌های‌شان را ترک کرده بودند.

آقای محب همچنین گفته بود که بیش از دوهزار نفر از این نیروها دوباره به صفوف نیروهای امنیتی و دفاعی پیوسته‌اند. به گفته‌ی او، در جریان بیش از دو هفته‌ی گذشته کمبود امکانات و تجهیزات تا حدودی رفع شده است.

از سوی هم، مشاور امنیت ملی کشور در مورد ترمیم تجهیزات نیروهای امنیتی و دفاعی گفته بود که بیشتر این تجهیزات در داخل کشور ترمیم می‌شود.

او گفته بود که برای ترمیم بخش دیگری از تجهیزات قراردادهای امضا شده و به‌زودی تعمیرات آغاز می‌شود. او جزئیات بیشتر ارایه نکرده بود.

اطلاعات روز: رییس‌جمهور اشرف غنی در جریان سفرش به ولایت خوست، جلسه‌ی ارشد امنیتی را رهبری کرده است. آقای غنی در این جلسه گفته است که به‌منظور ترمیم تجهیزات نیروهای هوایی، جایی در امارات متحده‌ی عربی در نظر گرفته شده است.

رییس‌جمهور غنی در این جلسه‌ی امنیتی از نیروهای امنیتی و دفاعی کشور به‌خاطر «شکست دادن دشمن» و روحیه‌ی عالی و ظرفیت بلندشان تشکری کرده است. او همچنین گفته است که نیروهای امنیتی و دفاعی با کمبود امکانات مواجه نیستند و به‌خاطر تمویل و تجهیز این نیروها، تعهدات بین‌المللی پا برجاست.

این درحالی است که پیشتر حمدالله محب، مشاور امنیت ملی کشور در یک نشست خبری در کابل گفته بود

دور تازه‌ی سفرهای منطقه‌ای خلیل‌زاد در پیوند به صلح افغانستان آغاز شد

امریکا از روند صلح، با تمامی طرف‌ها و ذی‌نفعان منطقه‌ای و بین‌المللی در مورد رسیدن به توافق صلح کار خواهد کرد.

وزارت خارجه‌ی امریکا رسیدن به توافق بین طرف‌ها در افغانستان را یک مسأله‌ی فوری دانسته و بر موافقت روی یک توافق از طریق مذاکره تأکید کرده است.

به نقل از اعلامیه‌ی این وزارت، افغانستان و منطقه زودتر می‌توانند از اتصال منطقه‌ای گسترش یافته، تجارت و توسعه که از مزایای صلح هستند، بهره ببرند.

وزارت خارجه‌ی امریکا در ادامه گفته است که خلیل‌زاد قرار است در تاشکند، پایتخت ازبیکستان در یک نشست بین‌المللی در مورد مسائل منطقه‌ای شرکت کند. این نشست از سوی اوزبیکستان میزبانی می‌شود.

اطلاعات روز: وزارت خارجه‌ی ایالات متحده‌ی امریکا اعلام کرده است که زلمی خلیل‌زاد، نماینده‌ی ویژه‌ی این کشور در امور صلح افغانستان دور تازه‌ای از سفرهای خود در پیوند به صلح افغانستان را آغاز کرده است.

در اعلامیه‌ی وزارت خارجه‌ی امریکا آمده است که این سفر خلیل‌زاد روز جمعه، ۱۸ سرطان آغاز شده و او قرار است از قطر، پاکستان و ازبیکستان دیدن کند. در اعلامیه در مورد سفر خلیل‌زاد به افغانستان چیزی گفته نشده است.

وزارت خارجه‌ی امریکا گفته است که خلیل‌زاد به تلاش جدی و پی‌گیری توافق صلح بین دولت جمهوری اسلامی افغانستان و گروه طالبان ادامه می‌دهد.

این وزارت همچنین گفته است که خلیل‌زاد به‌عنوان بخشی از حمایت

دیبالی موکوپادیای، واشنگتن پست
مترجم: جلیل پژواک

هفته پیش نیروهای امریکایی میدان هوایی بگرام را بی‌سروصدا به ارتش افغانستان واگذار کردند. رییس‌جمهور اشرف غنی و عبدالله عبدالله پس از دیدار با رییس‌جمهور بایدن و اعضای کنگره در واشنگتن تازه به کابل بازگشته بودند. در واشنگتن به آن‌ها اطمینان داده شد که حمایت حیاتی ایالات متحده ادامه می‌یابد.

اما از زمان اعلام تصمیم خروج نیروهای امریکایی از افغانستان، جنگ‌جویان طالبان با تشدید کارزار نظامی خود ولسوالی‌هایی را در خارج از مراکز قدرت سنتی این گروه تصرف کرده‌اند. روز چهارشنبه هفته گذشته شورشیان طالبان ابرای مدت کوتاهی[مرکز ولایت بادغیس را تصرف کردند. با این‌که نیروهای امنیتی افغانستان چند ساعت بعد به آن‌جا اعزام شدند او حمله طالبان را پس زدند] اما حمله بی‌باکانه طالبان باعث طرح این پرسش از جانب ناظران شد که آیا حکومت افغانستان با تهدیدی وجودی روبه‌روست؟

با این‌که طالبان برجسته‌ترین چالش برای پروژه دولت‌سازی در افغانستان دیده می‌شود، اما اختلافات در میان مدافعان جمهوری نیز می‌تواند توضیح دهد که چرا حکومت در چنین تنگنای وخیمی قرار گرفته.

بسیاری از کسانی که خود را پرچمدار دفاع از جمهوری در برابر بازگشت طالبان می‌دانند – از روزنامه‌نگاران، اساتید دانشگاه و فعالان جامعه مدنی گرفته تا کارمندان دولتی و بزرگان قبایل و فرماندهان شبه‌نظامی – احساس می‌کنند از نظم سیاسی فعلی کنار گذاشته شده‌اند. تا زمانی که این ناراضی‌تها شنیده نشود، موضع حکومت در برابر طالبان در میدان جنگ و دور میز مذاکره، در بهترین حالت شکننده و ضعیف باقی خواهد ماند.

تمرکز شدید کنترل سیاسی

استدلال دیرینه منتقدان حکومت این است که کابل از قدرت سیاسی، اقتصادی و اداری بیش از حد بر حومه متنوع کشور برخوردار است. قانون اساسی سال ۲۰۰۴ حکومت افغانستان را به یکی از متمرکزترین حکومت‌های جهان تبدیل کرده است. تعداد انگشت‌شماری از افراد نزدیک به رییس‌جمهور همه‌چیز را کنترل می‌کنند، از بودجه‌سازی برای ولایات گرفته تا تعیین ولسوال‌ها، تا برنامه‌ریزی نبردهای محلی و تا انتصابات در نهادهای امنیتی.

رییس‌جمهور غنی از سال ۲۰۱۴ که روی کار آمده تصمیم‌گیری را درون یک حلقه به‌شدت کوچک محدود کرده است. زمانی

ترجمه



طالبان «تنها چالش» حکومت افغانستان نیست

محافظت امنیتی – دولتی برخوردار می‌شوند و بقیه کنار گذاشته می‌شوند.

برای مثال اقدام حکومت مرکزی در بهار امسال برای جایگزینی یک والی در ولایت فاریاب در شمال کشور، که حوزه نفوذ یکی از خطرناک‌ترین زورمندان افغانستان، عبدالرشید دوستم، است، زمانی جنجالی شد که طرفداران دوستم در مخالفت با این اقدام حکومت به خیابان‌ها ریختند. دوستم، در دوره قبلی معاون غنی بود. اکنون او از غنی دور شده است. دوستم سال‌هاست در دفاع از ازیب‌ک‌ها، ترکمن‌ها و سایر گروه‌های قومی که به‌لحاظ تاریخی در حلقات قدرت کابل جایی ندارند، تأثیر قوی داشته است.

دوستم قبلاً برای جایگزینی یکی از افراد وابسته به خودش را برای مقام ولایت فاریاب پیشنهاد کرده بود، اما ارگ ریاست‌جمهوری تصمیم گرفت یک چهره وفادار به رییس‌جمهور را که از میان مردم پشتون شرق افغانستان می‌آمد، در قلب حوزه سیاست غیرپشتون نصب کند. خطر خشونت نفر ارگ را مجبور کرد به پایگاه محلی ارتش پناه ببرد تا بعد از مدتی دوباره به کابل فراخوانده شود.

هزاره‌ها، دیگر اقلیت افغانستان، در معرض حملات فزاینده داعش قرار دارند. داعش در سال ۲۰۲۰ دست‌کم ۲۵ نفر را در زایشگاه شفاخانه دولتی در غرب کابل قتل‌عام کرد. همچنین در ماه می سال جاری، سه انفجار پی‌درپی جان ده‌ها دختر مکتبی را در غرب

کابل گرفت.

افزایش و فراگیری حملات تروریستی و ناکامی حکومت در جلوگیری از این حملات، نگرانی بسیاری از مردم را درباره توانایی حکومت برای دفاع از شهروندان – به‌ویژه کسانی که در دوره طالبان به‌شدت مورد ظلم و ستم قرار داشتند – برانگیخته است. یک رهبر شبه‌نظامی هزاره به خبرنگار نیویورک تایمز گفته است که «هزاره‌ها در شهرها و شاهراه‌ها کشته می‌شوند، اما حکومت از آن‌ها محافظت نمی‌کند. دیگر بس است. ما باید از خود محافظت کنیم.»

جمهوری، برای کسانی که می‌ماند

آن‌چه در افغانستان در مقایسه با اختلافات قومی، منطقه‌ای و قبیله‌ای کم‌تر مورد توجه قرار می‌گیرد، شکافی است که امکان دارد خطرناک ثابت شود: شکاف بین کسانی که می‌روند و کسانی که می‌مانند. خانواده‌های بسیاری از صاحبان قدرت در کابل در خارج از کشور زندگی می‌کنند و گذرنامه‌های چند کشور را دارند. آن‌ها می‌توانند در صورت نزدیک‌شدن طالبان، کشور را ترک کنند. نگرانی از ناکامی برنامه ویزای ویژه مهاجرت ایالات متحده برای محافظت از هزاران شهروند افغانستان که با حکومت ایالات متحده کار می‌کردند، بازتاب‌دهنده این واقعیت است که میلیون‌ها نفر دیگر جا می‌مانند.

سربازان پیاده و کارمندان دولت ممکن است از خود بپرسند که برای چه چیزی و چه کسی

کودکان پل‌سرخ مثلاً بازی می‌کردند

موج می‌زد. من در زوایای مبهم چهره‌اش دنبال چیزی می‌گشتم. گفت اسمم «زیبا» است. گفتم: «چه جالب؛ واقعا زیبایی!» همین‌طور که حرف‌زده می‌آمدیم، دختر دیگری با صورت سیاه‌رنگ و لباس‌های سرخ‌رنگ از میان عابران پیدا شد و به زیبا گفت: «به صدف بگو بر پدر تو ره نالد دختر سگ؛ بگو ما و تو چشیم‌قوس فردا مالوم می‌کنیم!»

در این حال زیبا خندیده گفت: «چُپ بیشی دیوانه!» طوری گفت و لحن خنده‌اش طوری بود که گویا به دختر سرخ‌لباس و سرخ‌زبان می‌فهماند که یک نفر بزرگتر از ما همین لحظه به حرف‌های ما گوش می‌کند و حرف‌های تو خارج از چوکات است، خوب است که زیاد بی‌ادب و بی‌نزاکت به‌نظر نرسیم. منظورش من بودم. گویی تازه به خیابان آمده بود و آن‌قدر معصوم بود که غبار غلیظ خیابان‌ها هنوز شبنم شفاف معصومیتش را گل‌آلود نکرده بود. در همین اثنا یک پسر اسپندی می‌خواست از پیش روی ما به اسپندی دیگر چرخکی لگد بزند. جناب‌عالی پرید و دست‌هایش را روی زمین انداخت و کفش‌هایش در هوا پیش روی ما چرخي زد، اما به‌دلیل بی‌مهارتی‌اش پیش از این‌که پایش به هدف اثابت کند، پشتش به زمین خورد و حریفش افتاد رویش و او را خوب خاک‌مالی و گوش‌مالی داد. آن‌قدر که پسر از پایین خواهر و مادر حریفش را مورد عنایت قرار داد. آن‌ها مثلاً باهم بازی می‌کردند. مردم بی‌خیال از دُور و بر ما می‌گذشتند. انگار چند کودک در زنگ تفریح مکتب باهم شوخی می‌کردند. کدام مکتب؟ این روزها هزاران کودک دیگر مثل آن‌ها در ناکجای بی‌غوله‌های این شهر در سرای شمالی، در ده افغانان، در کوته‌سنگی و در جای‌جای این شهر وول می‌خورند و تباه می‌شوند و اگر بزرگ شدند، تباه می‌کشند.

خودشان را قربانی کنند. بین پیر و جوان، شهری و روستایی و نظامی و ملکی احتمالاً برای دفاع از جوامع مشترک در معرض تهدید، اتحاد جدیدی شکل خواهد گرفت. باتوجه به این‌که کسانی که به اسلحه و پول دسترسی دارند معتقدند که جمهوری دیگر از آن‌ها نمایندگی نمی‌کند یا قادر به محافظت از حوزه‌های مردمی آنان نیست، خطر فروپاشی نظامی افزایش می‌یابد.

آن‌چه در پیش است

بازگشت ملیشه‌ها به میدان، یادآور سقوط ویران‌گر افغانستان به کام جنگ داخلی پس از خروج شوروی در سال ۱۹۸۹ است. اما حکومت غنی-عبدالله از مزیت‌هایی برخوردار است که رژیم کمونیست وقت در کابل برخوردار نبود. با این‌که سربازان امریکایی و ناتو به خانه می‌روند، اما بازیگران خارجی از طریق مساعدت و دیپلماسی به اعمال نفوذ خود همچنان ادامه خواهند داد.

برخلاف حامی رژیم کمونیست در کابل که در سال ۱۹۸۹ یک اتحاد درحال فروپاشی بود، حامی اصلی حکومت غنی، یعنی ایالات متحده، هم قادر است و هم مایل است حمایت نظامی، غیرنظامی و بشردوستانه خود را از کابل ادامه دهد. در کنار این مزیت اداره غنی، طالبان در جایگاهی نیستند که ادعا کنند که از نوع حمایت مردمی برخوردارند که شورش مجاهدین دهه ۱۹۸۰ برخوردار بود.

هفتاد درصد مردم افغانستان زیر ۲۵ سال سن دارند. دموکراسی در این کشور، که نسل جوان آن آزادی‌ها و فرصت‌هایی را می‌خواهند که معایر باورهای افراطی طالبان است، طنین واضح و حامی بی‌چون و چرا دارد. این نسل در همان‌حال که بر سر جزئیات چگونگی عملکرد یک جمهوری مبتنی بر قانون اساسی در کشورشان بحث دارند، واضح ساخته‌اند که در برابر بازگشت امارت اسلامی مقاومت خواهند کرد.

آیا حکومت محاصره‌شده افغانستان می‌تواند تقلای خود را برای بقا به یک پروژه واقعی دولت‌سازی، پروژه‌ای که در آن نیازها، خواسته‌ها و چشم‌اندازهای مردم افغانستان وجود داشته باشد، تبدیل کند؟ این پرسشی است که تعیین می‌کند جمهوری تداوم یابد یا خیر.

دیپالی موکوپادیای استادیار دانشکده امور عمومی همفری دانشگاه مینه‌سوتا و کارشناس ارشد انستیتوت صلح ایالات متحده است. دیپالی نویسنده کتاب «جنگ‌سالاران، والیان زورمند و دولت در افغانستان» است.

کابل‌ناب

نی‌نی چشمان دخترک خشمگین در آب غوطه خورد و بغضش ترکید.

در جریانی که دخترک گریان به شکل تحقیرآمیزی توبه می‌کرد، مردی آمد و دو تا کاسه‌نگ خالی به زیبا داد و با انگشت اشاره‌اش به مردی اشاره کرد که لباسی سرخ‌رنگی داشت و حدوداً ۲۰ متر دورتر از ما در حال شیر‌یخ درست‌کردن بود. مرد گفت: «اینا ره دَ اووونو، اَنو مردی که پیرنیش سرخ‌لس، دَ همو بدی.» زیبا کاسه‌ها را گرفت و سربه‌زیر به طرف آن مرد دوید. این مرد به سمت راه پله‌های یک سوپرمارکت قدم زد و چپلک‌های تمیز و زیبایش شب‌شب به زمین می‌نشست و برمی‌خواست. صدف چادر دختر مظلوم و توبه‌کرده را پس داد. دختر به آرامی از آن‌ها پنج قدم دور شد و ناگهان برگشت و با خشمی که در جسم کوچکش جا نمی‌شد و صدایی که از خشم می‌لرزید، گفت: «مادر تو چشیم‌قوس مردم را...» و فرار کرد و در تاریکی یک کوچه‌ی فرعی گم شد و چه تنها گم شد؛ تنهاتر از رَ گهی ناب و زرین تنهایی که در شعر شاعران تنها حس می‌شود. به یاد شعری اقتادم که از یک فیلم اشک‌آور یادگرفته‌ام: «حتا یک موش وقتی زیر پا له می‌شود، از خشم دندان‌هایش را به‌هم می‌فشارد.» زیبا آمد و گفت برویم. حرکت کردیم که صدف و دوستانش نیز همراه شدند و همه با آن‌که خبر نداشتند، من به زیبا چه وعده‌ای داده‌ام، اما همان را می‌خواستند. شش-هفت پسرک دیگر نیز به کاروان پیوستند و هر لحظه بر جمعیت کاروان افزوده می‌شد. مجبور شدم به زیبا ۲۰ افغانی بدهم که خودش برای خودش آیسکریم بخرد و از گیر بقیه به جنجال خودم را خلاص کردم. این‌جا کابل جان است.

سهراب سروش

اشاره:

سال‌ها پیش که هنوز *انترنت* نبود و *مجله‌ها* قدر و قیمت داشتند، در *مجله‌ای* شعری خواندم *از شاعری که حالش را به حال تک‌درخت کوچک پیش خانه تشبیه کرده بود. «تو نیستی/ نیستی تو/ و حالم/ درست شبیه حال تک‌درخت کوچک پیش خانه است/ که تا کمر/ در شهوت آفتاب می‌سوزد/ و باران امانش نمی‌دهد...»*

آن روزها که حال من نیز شبیه حال تک‌درختِ کوچک وسط بیابان بود، کنجکاو شدم که شاعر این شعر را بشناسم. البته اسم شاعر، یعنی «شکریه عرفانی» پایین شعر نوشته شده بود، ولی یک اسم برای من کافی نبود، می‌خواستم بیشتر بدانم. سال‌های بعد که مجله‌ها از رونق افتادند و اینترنت فراگیر شد، من به برکت اینترنت شکریه عرفانی را در دور‌دست‌ترین کشور دنیا پیدا کردم؛ در استرالیا.

شکریه اگر آواره‌ترین شاعر جهان نباشد، یکی از آواره‌ترین شاعران جهان است. او که متولد سال ۱۳۵۷ه‍.ش در ولسوالی قره‌باغ ولایت غزنی است، در همان کودکی پس از آغاز جنگ‌های فرسایشی در افغانستان آواره می‌شود و بر روی امواج آوارگی از ایران و پاکستان تا روسیه و استرالیا «لپه» خورده است و هنوز که هنوز است آواره است و هنوز که هنوز است دود آتشی که در سرزمین پدری می‌سوزد، چشم‌هایش را می‌سوزاند. این حرف را براساس بعضی از شعرهای که از او خواندم گفتم. از خانم عرفانی تاکنون دو مجموعه شعر به چاپ رسیده است، با نام‌های «زبان تنهایی» و «آندوه ما جهان را تهدید نمی‌کند» که هر دو مجموعه در ایران به چاپ رسیده است و متأسفانه جایش در قفسه‌های کتاب‌فروشی‌های سرزمین آبایی خالی است.

آن‌چه در ادامه می‌آید، متن گفت‌وگویی است که چند مدت پیش، همان ایامی که خانم عرفانی را در فیس‌بوک پیدا کرده بودم، انجام شده است. این گفت‌وگو بنابه دلایلی فوراً نشر نشد، اما بعد از صحبت مختصر در این چند روز اخیر با مصاحبه‌شونده تصمیم بر این شد که گفت‌وگو را نشر کنیم. اگرچه سوال‌های این گفت‌وگو ساده و از این شاخه به آن شاخه، اما جواب‌ها خواندنی‌اند. پیشکش به خوانندگان عزیز اطلاعات روز!

اطلاعات روز: با این سوال شروع می‌کنیم؛ شکریه عرفانی کیست؟

شکریه عرفانی: شکریه عرفانی یکی از همه‌ی آدم‌های روی زمین است. جبر تاریخ و جغرافیا او را در دهکده‌ای کوهستانی در غزنین به این دنیا سپرد. مثل میلیون‌ها آدم مثل خودش مهاجر شد. شهروند بیگانه‌ی درجه دوم مملکتی دیگر شد. کودکی کرد. جوانی کرد. زندگی کرد. عاشق شد. در طوفان‌های مهیب زندگی و با بسیار مفاهیم و قرارداده‌ها جنگید و دست‌وپنجه نرم کرد. گاهی هم در گوشه‌ای خلوت از خود پناه

گرفت و شعر نوشت. هر وقت به او فکر می‌کنم همین‌ها که گفتم یادم می‌آید از او.

اطلاعات روز: اولین شعری را که سرودید هنوز به یاد دارید؟ من فکر می‌کنم، اولین شعر باید بسیار خاطره‌انگیز باشد! **شکریه عرفانی:** آفریدگار اولین شعر من عشق بود. وقتی دخترک نوجوانی بودم و پر از شور و نشاط وحشیانه و خام زندگی و وقتی که چشمی توانست دلم را بلرزاند، اما بدبهی است که آن‌چه آدمی قرار است بشود یا می‌شود، محصول فقط یک اتفاق نیست، بلکه مجموعه‌ای از رخدادهای بیرونی و درونی در این مسیر دخیل هستند. بیرون‌آمدن از فضای تنگ و دور زادگاهم و واردشدن به دنیای بزرگ‌تر شهری‌ای که در ایران تجربه کردم، شاید اولین امر دخیل در این موضوع بوده باشد. روحیه‌ی بی‌قرار و کنجکاو و قناعت‌ناپذیر خودم و بزرگ‌شدن در خانواده‌ای که به‌دلیل آخوندبودن پدر به‌هرصورت کتاب و کتاب‌خوانی جایگاهی در آن داشت هم از دلایلی است که می‌توانم مؤثر بدانم در گرایش‌م به دنیای شعر، مخصوصاً این‌که پدر هم شعر می‌نوشت. آشناشدن با مجالس ادبی آن دوران هم از عوامل مهم مؤثر بوده است، اما آن‌چه واضحاً روزی قلم به دستم داد و گفت بنویس عشق بود.

اطلاعات روز: اگر بخواهید شعر را به چیزی تشبیه کنید، چه چیزی زودتر از همه به ذهن‌تان می‌رسد؟ **شکریه عرفانی:** شعر را می‌توانم به اتفاق تشبیه کنم. از این جهت که منتظرش نیستی و ساعت آمدنش را نمی‌دانی یعنی قراردادی نداری با آن. اتفاقی‌ست ناگهانی در درونت که باید در زبان جاری‌اش کنی.

اطلاعات روز: شعر را چه تعریف می‌کنید؟ درست است که شعر تعریفی ندارد و شما هم فراتر از تعاریف شعر گفته‌اید، اما به هر حال برای شما هم یک متر و معیاری نسبی وجود دارد که شعر را از غیرشعر جدا میکند.

شکریه عرفانی: در تعریف شعر بسیار نوشته‌اند صاحب‌نظران و البته که کار شاعر خلق شعر است نه ساختن تعریفی برای آن. بنابراین نمی‌توانم تعریفی از شعر داشته باشم من هم، اما آن‌چه حس به من می‌گوید درباره‌ی شعر این است که شعر تبدیل‌شدن واکنش‌های درونی یک شاعر به دنیای بیرون است در قالب زبان. مثل گریستن یک کودک وقتی از سینه‌ی مادر جدایش می‌کنند و یا خندیدنش وقتی کسی روبه‌رویش می‌نشینند و دلقک‌بازی می‌کند. شعر واکنش است و هنر اصلاً در کلیت خود واکنش درون انسان به دنیای بیرون است. البته واکنش به دنیای بیرون کار هر جان‌داری است، اما آن‌چه واکنش یک هنرمند یا یک شاعر را متفاوت از دیگر واکنش‌ها می‌کند آن درجه‌ی بالاتر حساسیت‌پذیری اوست نسبت به دیگران

و بیان آن حساسیت در قالب و حیطه‌ای که زیبایی در آن اولویت را دارد. زیبایی به بیانی همان ابزار و معیار سنجش است برای یک شعر و البته وسیله‌ی جداساختن آن از دیگر سخن‌ها.

اطلاعات روز: به گمانم که شما اولین کارهای‌تان را در مشهد – از دُر دری – شروع کردید. محافل چه تأثیری در خلق اثر هنری و به‌روزبودن اثر دارد و خود شما چه روشی دارید؟ **شکریه عرفانی:** من نوشتن را با حضور در جلسات دُر دری شروع نکردم، چون من در مشهد نبودم. اما می‌شود گفت که در آن زمان چه دُر دری چه محافل دیگر ادبی مهاجرین افغان در ایران فضای نسبتاً مشابهی داشتند که در امتداد و تبعیت از فضای غالب بر ادبیات ایران آن دوران بود. فضایی که شعر متعهد به مفاهیم انقلابی و دینی را می‌طلبید. البته بین شاعران ما مسأله‌ی مهاجرت هم جای خاصی را داشت. شاید بتوان گفت شاعران آن دوران با نوشتن شعرهای آن دوران‌شان قصد ایجاد و ثابت‌ساختن هویتی مقبول در فضای کلان‌تر حاکم را داشتند. بنابراین شعرهایی با رویکرد حماسی اجتماعی و البته مناسبتی بُرد خاصی داشت آن روزها... من هم در همین فضا نوشتن را شروع کردم و تا سال‌های اولی که می‌نوشتیم این حقیقت که شعر حاصل کار یک فرد است، برایم اندکی غریبه بود چون شاعران به‌عنوان اشخاص مستقل، هویت خاصی در این نوع فضاها ندارند بلکه قلم به‌دستانی هستند که ناچار به نوشتن مضامینی هستند که از طرف جو حاکم برای‌شان دیکته می‌شود. بعدها که آرام‌آرام شروع کردم خودم باشم، رفته‌رفته خود را با این جمع‌ها بیگانه حس کردم. کمتر در جشنواره‌ها شرکت کردم و کمتر به جمع‌هایی که به دلم خوش نمی‌آمد می‌پیوستم. البته فضا در تهران قدری فرق داشت. چون در تهران صداها متفاوت‌تر بود و آفرینندگان کلام آزادی بیشتری داشتند برای نوشتن و تجربه‌کردن. بعدها هم مهاجرت‌های متعدد به کشورهای دیگر و آشناشدن با قلمروهای وسیع‌تر شعر جهان نگاه و تعهدم را نسبت به شعر کاملاً وارد

»

دنیای شاعران‌امروز دیگر به محوطه‌ی اصطبل اسب و مجالس می‌خوارگی شاهانه یک فرد از آن امتیازات بهره‌ای هم ندارد. **مردم‌محوربودن حیطه‌ی سخن در هم شکسته است و عشق برای شاعران‌امروزی به پدیده‌ای زمینی بدل شده است.**

»



از شکریه عرفانی چند مجموعه شعر به چاپ رسیده است که از جمله می‌توان به مجموعه‌ی «آندوه ما جهان را تهدید نمی‌کند» اشاره کرد.

فضاهای متفاوت‌تری کرد نسبت به آن‌چه که با آن شروع کرده بودم.

اطلاعات روز: برخی معتقدند که شعر کهن فارسی از منطق و فضای فکری متفاوتی برخوردار است که ربطی به شعر و زندگی امروز ما ندارد. شما چه فکر می‌کنید؟ آیا شعر کهن فارسی برای شاعرانگی شما دستاوردی داشته است؟ **شکریه عرفانی:** البته این حرف تاحد زیادی درست است، اما من با هرگونه اندیشه‌ی انکار‌گرایانه‌ای مخالفم. ما نمی‌توانیم پله‌هایی را که ادبیات بر آن‌ها قدم‌به‌قدم بالا رفت تا امروز به این شکلی برسد که می‌بینم انکار کنیم. درست است که منطق حاکم بر فضای شعر کهن امروز با زندگی ما بیگانه است، اما همان‌ها ریشه‌های اولیه‌ی این درخت تنومند هستند. امروز ما نمی‌توانیم دیگر شعری با سبک و نگاه شعر کهن بنویسیم، اما باید به‌خاطر داشته باشیم که کار اصیل و شاخص هرگز تحت تأثیر زمان قرار نمی‌گیرد، بلکه مؤثر بر زمان است. شاهد این حرف هم دیوان‌هایی است از شاعران کهن که هنوز که هنوز است جایگاهی بسیار بالاتر دارند در نزد خوانندگان شعر فارسی نسبت به شعر امروز. برای خودم شخصاً چون رشته‌ی دانشگاهی‌ام ادبیات بوده است و طبیعتاً سال‌های دانش‌جویی بیشترین وقتم را برای مطالعه‌ی متون کهن می‌گذاشتم، این متون تأثیری ژرفی داشته‌اند، مخصوصاً در حیطه‌ی آشنایی با زبان فاخر ادبیات کلاسیک.

اما درست است. شاعر امروز باید آدم امروز باشد و آدم امروز باید به زبان امروز و از مفاهیم مأنوس دنیای امروز سخن بگوید. ما امروز در دنیایی زندگی می‌کنیم که محوربودن فرد نسبت به هر مفهوم دیگری حرف اول را می‌زند. فردی که در جهانی مدرن زندگی می‌کند و عناصر شعری‌اش هم طبیعتاً متأثر از همین جهان است. دنیای شاعر امروز دیگر به محوطه‌ی

آن‌چه قلم به دستم داد و گفت بنویس، عشق بود

گفت‌وگو با شکریه عرفانی



اصطبل اسب و مجالس می‌خوارگی شاهانه خلاصه نمی‌شود و او به‌عنوان یک فرد از آن امتیازات بهره‌ای هم ندارد. **مردم‌محوربودن حیطه‌ی سخن در هم شکسته است و عشق برای شاعر امروزی به پدیده‌ای زمینی بدل شده است.** شرابی ازلی و ناجی آسمانی‌ای هم برای او وجود ندارد و او خود جهانی که سلطه‌ی نظام سرمایه‌داری و از طرفی دیگر رشد فکری و آشنایی او با اندیشه‌های فلسفی انسان‌گرایانه او را خواسته و ناخواسته به قلمرو دیگری از حس و اندیشه و بیان وارد کرده است. ما در دنیای کلاهک‌های اتم/غلبه‌ی کاپیتالیزم و جادوی رسانه‌ها زندگی می‌کنیم و حتا اگر به‌عنوان انسانی از کشوری جهان‌سومی ربط مستقیمی به آن‌ها نداشته باشیم، اما سنگین‌ترین بار این پدیده‌ها بر شانه‌های ما و مردم ماست. پس نباید و نمی‌توانیم که چیزی باشیم متفاوت از آن‌چه هستیم. اما نکته‌ای که در این میان مهم است این است که شعر و هنر در ذات خود فریادی است در مقابل تاریکی و چراغی است که دل آدمی را روشن نگه می‌دارد و این موضوع همواره بزرگ‌تر و فراتر از محدوده‌ی زمان و مکان است.

اطلاعات روز: از نظر من علاوه بر مضامین غلیظ زنانه که در شعرهای‌تان خیلی برجسته است؛ عنصر بارز شعر شما عاطفه است تا اندیشه. چرا و آیا عاطفه عنصری تربیت‌پذیر توسط شاعر است؟ **شکریه عرفانی:** عاطفه تربیت‌پذیر نیست، تربیت‌کننده است و این نکته را که عاطفه از عناصر شعری من هست را قبول دارم و بودنش هم بسیار طبیعی است چون شعر اصلاً نمی‌تواند بدون عاطفه باشد و همین عاطفه است که در واقع ابزار شاعر می‌شود برای دریدن درون مخاطب و رسوخ به نهان‌گاه‌های پنهان او. حالا شاید بتوان در لایه‌ای دیگر زن‌بودن مرا هم مؤثر دانست در عاطفه‌ی غالب بر شعرهایم که صد البته

گزارش

از سرگیری نشست‌ها در دوحه؛ جدی ولی دور از چشم رسانه‌ها

عباس عارفی

پس از ماه‌ها وقفه و بن‌بست در روند مذاکرات بین‌الافغانی صلح در قطر، اکنون گروه‌های تماس هیأت‌های مذاکره‌کننده صلح دولت جمهوری اسلامی افغانستان و گروه طالبان دوباره به میز مذاکره برگشته‌اند و در ۱۰ روز گذشته، ۴ نشست پیرامون از سرگیری مذاکرات در دوحه داشته‌اند. نتایج این نشست‌ها هنوز معلوم نیست و دو طرف در مورد جزئیات این نشست‌ها نیز چیزی نمی‌گویند. گفت‌وگوها در حالی آغاز می‌شود که خروج نیروهای آمریکایی از افغانستان قطعی شده، سطح خشونت‌ها در کشور به‌شدت افزایش یافته است و طرف‌های منازعه تلاش می‌کنند با تبلیغات وسیع در رسانه‌ها خود را برنده میدان اعلام کنند. به این معنا که در میدان جنگ نشانی از صلح و آشتی و کاهش خشونت‌ها مشاهده نمی‌شود.

در صحبت‌هایی جداگانه که با برخی از اعضای هیأت مذاکره‌کننده دولت جمهوری اسلامی افغانستان و محمدنعم وردک، سخن‌گوی دفتر سیاسی گروه طالبان در قطر داشتیم، گفت‌وگوکنندگانم بر این باور بودند که نشست‌ها در سطح گروه‌های تماس میان دو طرف مذاکره‌کننده ادامه ندارد، اما دو طرف تعهد سپرده‌اند تا زمانی‌که این سطح از مذاکرات در فضای سیاسی و امنیتی حاکم در کشور به نتیجه‌ی ملموس نرسیده، از ارائه‌ی معلومات در مورد جزئیات این نشست‌ها به رسانه‌ها و مطبوعات خودداری می‌کنند.

یک عضو هیأت مذاکره‌کننده دولت جمهوری اسلامی افغانستان که نخواست از وی نام ببرم، در گفت‌وگو با اطلاعات روز می‌گوید «مذاکرات به‌طور جدی پیش می‌رود، ولی هنوز اجندای بحث میان دو طرف نهایی نشده است.» این عضو هیأت مذاکره‌کننده دولت افغانستان می‌گوید که هیأت مذاکره‌کننده طالبان هنوز هیچ طرح و اجندایی را در زمینه پیشبرد مذاکرات آینده پیشکش نکرده است تا روی آن بحث و گفت‌وگو صورت بگیرد. با این‌حال گروه تماس آن‌ها در نشست‌ها حاضر می‌شوند و خواهان دوام چنین نشست‌هایی هستند.

محمد نعیم وردک، سخن‌گوی دفتر سیاسی گروه طالبان در قطر، در گفت‌وگو با من می‌گوید اعضای هیأت مذاکره‌کننده گروه طالبان از همان هفته اول بعد از عید رمضان آماده پیشبرد مذاکرات صلح بوده‌اند، «ولی اعضای هیأت مذاکره‌کننده طرف مقابل تا یک ماه در دوحه حاضر نبودند.» وردک می‌گوید، از زمانی‌که برخی اعضای هیأت مذاکره‌کننده دولت افغانستان به دوحه برگشته‌اند، نشست‌ها کماکان میان دو طرف ادامه داشته است. اما «در مورد موضوعات نمی‌توانیم چیزی بگوییم. براساس تعهدی که هر دو تیم نموده است، توافق بر این است که درباره جزئیات گفت‌وگوها چیزی با رسانه‌ها شریک نشود.» برمبنای توافق‌نامه صلح دوحه میان ایالات متحده آمریکا و گروه طالبان، دو طرف تعهد سپرده بودند که در برابر خروج کامل نیروهای آمریکایی و ناتو از افغانستان، مذاکرات

به آن مدینه‌ی فاضله نرسیدیم، ولی گاهی که به پشت سر نگاه می‌کنم احساس رضایت دارم از همه‌ی فراز و فرودهایی که تا امروز در زندگی‌ام بوده است یا درست‌تر این‌که از ماحصل آن همه احساس رضایت می‌کنم و از عشقی که به زندگی می‌ورزم خوشحالم.

اطلاعات روز: شما سال‌هایی سال است که در غربت زندگی می‌کنید. تجربه زندگی در چندین کشور دنیا را داشته‌اید. از غربت و حس‌هایش بگویید. به‌نظر می‌رسد، بهتر از زندگی در وطنی باشد که ما داریم. **شکریه عرفانی:** بله، متأسفانه همه‌ی عمر من تا امروز در غربت گذشته است. ریشه‌ی این درد بسیار عمیق است و هرگز از دل پاک نمی‌شود. خیلی وقت‌ها آرزو می‌کنم که برگردم به آغوش وطنم ولی شاید تا امروز فرصت و شهادت این کار در من ایجاد نشده است. به هر حال حضور فیزیکی اهمیت چندانی ندارد. من هر جای جهان که باشم شاخه‌ای از همان درخت هستم.

اطلاعات روز: به نظر شما آینده‌ی شاعر چگونه خواهد بود؟ منظورم خود شماست؟ **شکریه عرفانی:** نمی‌دانم. هیچ چشم‌اندازی از آینده ندارم. سال‌ها درگیر مهاجرت‌بودن و خیلی درگیری‌های دیگر زندگی وقت و فرصت‌های زیادی را از من گرفته است. باید بیشتر از این‌ها کار می‌کردم که نکردم، اما حداقل این را می‌توانم بگویم که برای آینده‌ی این شاعر آرزو می‌کنم شاعر باقی بماند. شاعری که دیگر به جای جنگ از عشق بنویسد و جای کوچکی در دل مردمی که کارهایش را می‌خوانند داشته باشد. و در پایان دو شعر از خانم شکریه عرفانی:

آرزو کرده بودم

در مزرعات

به جای گوسفندان شیرده

تانکی سالخورده ایستاده باشد

و سربازان

چون کرم‌های پس‌مانده از هجوم ملخ‌ها

بر گندم‌زار تاراج شده‌ات بلوند

و پاهایشان جا مانده باشد در مزارع دیگر

بلوند

و دست‌هایشان خوراک مرمی‌هایی شده باشد

که در مسیر رودخانه

به‌سوی هم شلیک می‌کردند!

آرزو کرده بودم

آمده باشد جنگ

تا نفس‌های خسته‌اش را

زیر سقف تاریک کاهدان تو به آخر برساند

تا تو هم تفنگ از شانه بگذاری

به قریه بازگردی

گندم‌های تازه بنشانی در خاک

و من هنوز عاشقت مانده باشم

اشتباه کرده بودم اما

خاک گندم‌زار

بر تن سربازان

دست‌ها و پاهای تازه رویانید

نفس تازه کرد جنگ

قریه را سوزاند

و تو هرگز به من بازنگشتی

دلم می‌خواهد

هر صبح که چشمانت را باز می‌کنی

با چیزی غافلگیرت کنم

مثلا یک مشت پوست پرتقال زیر پتویت

بگذارم

تا صبح

عطرش تو را در باغ پرتقالی بیدار کند

بعد از جا بلندت کند

و بین درخت‌ها دنبال من بدواند

یا با دست‌خط خودت

اولین نامه‌ی عاشقانه‌ات را بنویسم

و آن را آرام لای انگشت‌هایت بلغزانم

تا بیدار که شدی

قلبیت با خواندنش چنان بتپد

که قلب تازه‌جویی با اولین عشقت

دلم می‌خواهد کاری کنم

که گیج شوی

که گیج بمانی

که مثل پرنده‌ای کوچک تکلیف روزگارت

تنها در کف دستان من روشن شود.

مایل نیستم از نگاه فمینیستی به آن دیده شود. متأسفانه امروز هر چیزی که به زن مربوط می‌شود طوری به چنگ فمینیزم سردرگم و انکارگرایانه‌ی شرقی افتاده است که بیم آن می‌رود نکند روزی انسان‌بودن و به‌طور طبیعی انسان‌بودن بی‌ارزش‌تر و بی‌مفهوم‌تر از جنس زن یا مردبودن شود.

اطلاعات روز: از نظر خودتان شعر شما چه ویژگی دارد که باعث لذت‌بردن مخاطب می‌شود؟

شکریه عرفانی: جوابی برای این سوال تان ندارم. آن‌کس که شعرهایم را می‌خواند و اگر احیانا لذت می‌برد، باید جواب شما را بگوید.

اطلاعات روز: شعر زنان امروز افغانستان برخلاف شعر زنان این حوزه در تاریخ، سرشار است از بیان احساسات تنانه؛ آن‌قدر که گاهی همین چیز شاخص‌ترین ویژگی شعرهای‌شان و دلیل شهرت‌شان هستند. آیا زنان شاعر افغانستان به شمول شما واقعا خوب کار می‌کنند؟

شکریه عرفانی: من شعر زن امروز افغانستان را هنوز کودکی می‌دانم که باید بسیار راه‌ها را برود. بارها زمین بخورد و باز سرپا بایستد و ادامه بدهد تا در آینده به پختگی و قوام برسد. این یک حقیقت است که بیان‌ها و تصاویر زنانه و تنانه بسامد بسیار بالایی در میان کارهای بانوان ما دارند و غالباً هم ابزاری است برای جلب توجه فضای کلان‌تر مردانه. من این را محکوم نمی‌کنم و بخشی از همین تلاش و تقلایی می‌دانم که بانوان ما باید با آن دست‌وپنجه نرم کنند تا بتوانند روزی از آن بگذرند و قلمروهای گسترده‌تر دیگر را تجربه کنند، اما چیزی که متأسفم می‌کند این است که استفاده از عنصر جنسیت به وسیله‌ای تبدیل شده است که بعضی بانوان ما در پشت آن سنگر گرفته‌اند تا خود را به این وسیله بقبولانند به جامعه‌ی ادبی امروز. درحالی‌که این سنگر باعث شده است او به نوعی خودباوری کاذب برسد در عرصه‌ی شعر. من کار بیشتر خانم‌های شاعرمان را می‌خوانم و متأسفانه اغلب می‌بینم که بسیار و بسیار رد پای مطالعه‌ی جدی و اندیشه و تجربیات شخصی در کارهای‌شان کم پیدااست. شعر رسانه‌ای و شعر شعارمحور جنسیتی از آن دست متن‌هایی است که هرچند به‌عنوان یک تجربه لازم است، اما می‌توان آن را به سرفه‌های کوتاه قبل از یک سخنرانی تشبیه کرد. به هر حال مخاطبی که در مقابل تو نشسته است می‌خواهد بداند که بعد از آن سرفه‌های کوتاه چه چیزی برای گفتن داری. آن‌جا جایی است که تو باید با قدرت شاعری مطالعه کرده و مسلط به اندیشه و زبان وارد عرصه شوی. به‌نظر من در این‌جا بسیاری از بانوان ما کم می‌آورند و این بسیار تأسف‌برانگیز است. باید مطالعه‌های جدی کرد و بسیار درهای ناگشوده را باز کرد و به دل بسیاری از تجربه‌ها انداخت خود را تا بتوان خلق کرد. البته شاعرانی هستند که کارهای‌شان بسیار خوب و ارزشمند است و می‌توان آینده‌ی شعر زن افغانستان را در کارهای ایشان جست‌وجو کرد و امیدوار بود.

اطلاعات روز: یکی از احساس‌های که پس از خوانش شعرهای‌تان به من دست می‌دهد این است که از چیزی یا هم از کسی شکایت دارید؟ از چه شکایت می‌کنید و از کی ناراضی هستید؟

شکریه عرفانی: از جنگ از خشونت از مرگ و از آن‌چه آدمی و حق زیستنش را انکار می‌کند، شکایت دارم.

اطلاعات روز: رؤیایی که در کودکی از زندگی داشتید تا چه حد با زندگی کنونی‌تان هماهنگی دارد؟

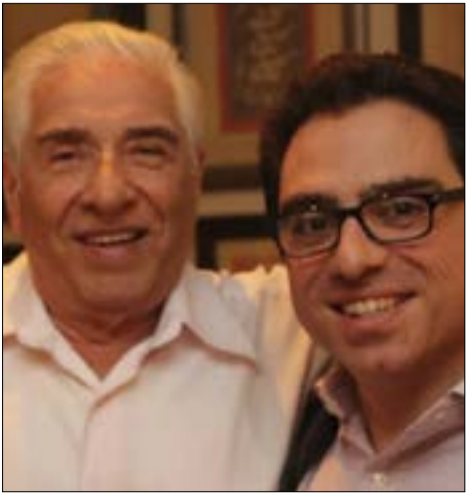
شکریه عرفانی: نمی‌دانم، گمان می‌کنم اصلاً آن چیزی که در کودکی رؤیایم را می‌بافتم نشد زندگی امروزم. کودک بی‌گناهی که زشتی‌های و پیچیدگی‌های دنیای آدم بزرگ‌ها را نمی‌داند در رؤیاهایش خود را فاتح مدینه‌ی فاضله می‌داند. من که



رابرت مالی: دولت بایدن خواهان آزادی تمامی زندانیان امریکایی در ایران است

در سرتاسر جهان» در روز سه شنبه صحبت می کرد، اظهار داشت، این مساله‌ای است که به شدت بر دوش من و تعدادی از ما که در توافق بر سر مبادله ای که در سال ۲۰۱۶ منعقد شد، دخالت داشتند، سنگینی می کند. او تصریح کرد، این کاری است که ما باید آن را تمام کنیم. رابرت مالی تاکید کرده است: ما می‌گوییم همه آنها باید به خانه بازگردند. ما خواهان توافقی جزئی نیستیم. ما نمی‌خواهیم دوباره کسی از قلم بیفتد. تکرار می‌کنم، می‌دانم دفعه پیش این موضوع چقدر رنج‌آور بود و نمی‌خواهم تاریخ تکرار شود.

سیامک نمازی، مراد طاهباز، فعال محیط زیست و عماد شرقی، یک بازرگان ایرانی-امریکایی، از جمله افراد دو تابعیتی زندانی در ایران هستند. باقر نمازی هم اکنون در بیرون از زندان و در مرخصی پزشکی است و اجازه خروج از ایران را ندارد.



موسوم به برجام بین جمهوری اسلامی و شش قدرت جهانی، ایران چند شهروند امریکایی، شامل جیسون رضاییان، امیر حکمتی، سعید عابدینی و نصرت‌الله خسروی رودسری، را آزاد کرد.

اما سیامک نمازی، شهروند ایرانی-امریکایی زندانی در ایران، در جریان این مبادله آزاد نشد. سیامک نمازی در ماه میزان سال ۱۳۹۴ به اتهام «همکاری با حکومت امریکا» بازداشت شد و پدرش، باقر نمازی، نیز که برای کمک به آزادی او به ایران رفته بود، یک سال بعد دستگیر شد.

رابرت مالی تاکید کرده است، جریان مبادله زندانیان در ماه جدی سال ۱۳۹۴ داستان رنج آوری برای خانواده سیامک نمازی است، چرا که او در زندان ماند.

طبق این گزارش، نماینده ویژه ایالات متحده در امور ایران که در یک نشست مجازی با عنوان «کمک به گروگان‌ها

اطلاعات روز: رابرت مالی، نماینده ویژه ایالات متحده در امور ایران، گفته است که دولت جو بایدن خواهان آزادی تمام امریکایی‌های است که به طور ناعادلانه در ایران زندانی هستند و «توافق جزئی» برای آزادسازی آنها را نخواهد پذیرفت.

به گزارش جمعه ۱۸ سرطان شبکه ان بی سی نیوز، نماینده ویژه ایالات متحده در امور ایران این اظهارات را در گفت‌وگو با تعدادی از زندانیان سابق و خانواده‌های زندانیانی امریکایی که هم اکنون در ایران در زندان هستند مطرح کرده است.

به نقل از رادیو فردا، رابرت مالی در ادامه گفته است، من در خصوص این موضوع در دولت باراک اوباما کار کردم، زمانی که توانستیم تعدادی از شهروندان ما که به ناحق بازداشت شده بودند را آزاد کنیم، اما همه آزاد نشدند.

در ماه جدی ۹۴ همزمان با اجرایی شدن توافق هسته‌ای

نیروهای امنیتی ونزوئلا برای کنترل کامل پایتخت با گروه‌های تبهکار درگیر شدند

در درگیری میان پلیس و گروه‌های تبهکار شماری از عابران هم کشته شدند.

دولت ونزوئلا مدعی است این خشونت‌ها از سوی مخالفان برای «بی‌ثبات» کردن دولت نیکولاس مادورو، رئیس‌جمهوری ونزوئلا است.

مادورو در توییت نوشت: «دشمنان میهن با تأمین مالی باندهای جنایتکار قصد ایجاد اضطراب دارند، ما بیکار نخواهیم نشست.»

عملیات جمعه، اولین عملیات نیروهای امنیتی در چند سال اخیر علیه گروه‌های مسلحی بوده که کنترل مناطقی از پایتخت را در دست دارند.

در کاراکاس زده‌اند، جایزه‌ای نیم میلیون دلاری تعیین کردند.

این گروه‌ها از حاشیه شهر به اماکن تجاری و نواحی مسکونی شهر منتقل شده‌اند و در تلاش برای کنترل شاهراه اصلی کاراکاس به غرب کشور وارد درگیری‌های مسلحانه شده‌اند.

رسانه‌های محلی می‌گویند در این درگیری‌ها، شماری از شهروند جان خود را از دست داده‌اند.

یک مامور پلیس به خبرگزاری فرانسه گفته است ماموران دولتی کنترل ۴ ناحیه فقیرنشین را در دست گرفته‌اند اما هنوز تک تیراندازهایی وجود دارند.

اطلاعات روز: نیروهای امنیتی ونزوئلا با انجام چندین عملیات در کاراکاس، پایتخت این کشور درصدد در دست گرفتن کنترل کامل این شهر پس از دو روز درگیری‌های شدید با گروه‌های مسلح هستند.

به نقل از بی بی سی فارسی، بیش از ۸۰۰ مامور دولتی خانه‌ها را یک به یک مورد جستجو قرار دادند و سلاح‌های موجود در این خانه‌ها را توقیف کردند و شهروندانی را که توسط گروه‌های تبهکار به گروگان گرفته شده بودند، آزاد کردند.

مقام‌های ونزوئلا برای سران گروه‌های تبهکار که برای گسترش قلمرو خود دست به درگیری‌های مسلحانه



پایین بودن احتمال ابتلای کودکان به عوارض شدید کرونا تایید شد



گروه‌های مورد مطالعه ما که احتمال شدت بیماری و نیاز آنها به بستری شدن در بخش مراقبت‌های ویژه بیشتر است می‌تواند مفید باشد ولو اینکه خطر مرگ آنها هنوز هم زیاد نباشد.»

او گفته است که انتظار می‌رود اطلاعات قابل اعتماد بیشتری در مورد بیماری از کشورهای دیگر به خصوص ایالات متحده و اسرائیل دریافت شود که در تصمیم‌گیری در مورد پوشش واکسیناسیون باید در نظر بگیریم. دکتر الیزابت ویتاکر، استاد کالج سلطنتی بیماری و بهداشت کودکان و امپریال کالج دانشگاه لندن، گفته است که پایین بودن آمار ابتلای کودکان به عوارض شدید کرونا کاملاً دلگرم کننده است. او افزوده است که «گرچه این داده‌ها تا فوریه ۲۰۲۱ را شامل می‌شود، اما شیوع سوبه جدید دلتا در آن تغییری نداده که باعث اطمینان خاطر کودکان و نوجوانان و خانواده‌های آنان است.»

التهایی کودکان» (PIMS-TS) ناشی شد.

• اگرچه به طور مطلق خطر شدت بیماری کرونا یا مرگ در اثر آن در میان کودکان ناچیز بود، اما کودکان مبتلا به چند بیماری زمینه‌ای، چاقی یا بیماری‌های قلب و اعصاب بیشتر در معرض خطر قرار داشتند.

پروفسور راسل واینر، که در این پژوهش شرکت داشت گفته است که تصمیم‌گیری در مورد نیاز کودکان به واکسیناسیون مستلزم در نظر گرفتن عوامل متعدد است و پژوهش انجام شده توسط این گروه‌ها باید صرفاً به عنوان یکی از منابع مورد نظر قرار گیرد.

او در عین حال گفته است اگر واکسن به اندازه کافی در دسترس باشد، براساس نتایج این تحقیقات، واکسیناسیون گروه‌های خاصی از کودکان می‌تواند توصیه شود.

پروفسور واینر افزوده است که «براساس تحقیقات ما، نظر کاملاً شخصی من این است که واکسینه کردن برخی

کرونا در دست نبود هرچند این امکان وجود داشت که ابتلای آنها به بیماری‌های دیگر شناسایی نشده بود.

• بررسی آمار نشان می‌دهد که آزمایش کرونای ۳۶ کودک دیگر در زمان مرگ مثبت بود اما علت درگذشت آنها عوامل دیگری بود.

• اگرچه خطر ابتلای کودکان به طور کلی کم بود، اما کودکان و نوجوانانی که جان خود را از دست دادند بیشتر بالای ۱۰ سال سن داشته و از اقلیت سیاهپوست و جنوب آسیایی بودند.

با توجه به ۲۵ مورد مرگ و میر در جمعیت حدود ۱۲ میلیون کودک در انگلستان، پژوهشگران تخمین می‌زنند که احتمال تلفات این گروه سنی حدود ۲ نفر در یک میلیون باشد.

در مورد کل جمعیت، داده‌های فعلی نشان می‌دهد که از زمان شیوع این بیماری در انگلستان حدود ۱۲۸۳۰۱ نفر ۲۸ روز پس از آزمایش مثبت ابتلای به ویروس کرونا جان خود را از دست داده‌اند و از نظر نهادهای بهداشتی، مرگ آنان نتیجه ابتلای به ویروس کرونا دانسته می‌شود.

«موارد نادر بستری شدن در بیمارستان»

در یک بررسی جداگانه، پژوهشگران آمار کودکان و جوانانی در انگلستان را که تا فوریه ۲۰۲۱ به خاطر ابتلای به ویروس کرونا در بیمارستان بستری شدند ارزیابی کردند.

• در این مدت، حدود ۵۸۰۰ کودک و نوجوان به خاطر ابتلای به ویروس کرونا در بیمارستان بستری شدند حال آنکه شمار کودکانی که به خاطر عوارض دیگر (به استثنای جراحات ناشی از حوادث) بستری شدند ۳۶۷،۶۰۰ نفر بود.

• از میان کودکان مبتلا حدود ۲۵۰ نفر به بخش مراقبت‌های ویژه نیاز یافتند.

• بستری شدن ۶۹۰ کودک از بروز یک عارضه التهابی نادر مرتبط با ویروس کرونا به نام «سندرم مولتی سیستم

اطلاعات روز: تجزیه و تحلیل جدیدترین مجموعه داده‌ها در مورد ابتلای به ویروس کرونا تایید می‌کند که در مجموع خطر بروز عوارض شدید یا مرگ در اثر ابتلای به ویروس کرونا در کودکان بسیار کم است.

به گزارش بی بی سی فارسی، اطلاعات گردآوری شده طی ۱۲ ماه اول شیوع کرونا در انگلستان نشان می‌دهد که در این مدت، ۲۵ نفر افراد زیر ۱۸ سال در اثر ابتلای به این ویروس جان دادند.

این پژوهش نشان داد که کودکان و نوجوانان مبتلا به عوارض زمینه‌ای مانند بیماری‌های مزمن و معلولیت عصبی بیشتر در معرض خطر هستند هرچند در این موارد هم عموماً خطر بروز بیماری شدید یا مرگ کم است.

نتیجه این تحقیقات برای بررسی در اختیار گروه مشاوره واکسیناسیون در انگلستان قرار گرفته شده است.

در حال حاضر، به طور کلی واکسن کرونا به افراد زیر ۱۸ سال تزریق نمی‌شود حتی اگر به انواع بیماری زمینه‌ای هم مبتلا باشند که آنها را در معرض خطر بیشتر قرار می‌دهد.

پژوهشگران در یونیورسیتی کالج دانشگاه لندن و دانشگاه‌های یورک، بریستول و لیورپول می‌گویند مطالعات آنها درباره آثار ویروس کرونا بر کودکان جامع‌ترین تحقیق در این زمینه است که تاکنون در دنیا صورت گرفته است. این گروه از پژوهشگران تمامی داده‌های سازمان بهداشت عمومی انگلستان را بررسی کردند و نتیجه گرفتند که بیشتر افراد خردسال و نوجوانی که در اثر ابتلای به ویروس کرونا در گذشتند دارای مشکلات بهداشتی قبلی بودند. این تحقیقات نشان داد که:

• حدود ۱۵ نفر از کسانی که جان دادند دارای مشکلات حادی بودند که زندگی عادی را مشکل می‌کرد از جمله ۱۳ نفر به معلولیت عصبی-حرکتی مبتلابودند.

• در مورد شش نفر از درگذشتگان گزارشی از ابتلای به بیماری جدی طی پنج سال منتهی به ابتلای به ویروس



د کړهڼې، اوبو لگولو او مالدارۍ وزارت
وزارت زراعت، آبیاری و مالدارۍ

پروژه زراعت و مالدارۍ به اشتراک مردم

د افغانستان اسلامي جمهوري دولت
دولت جمهوري اسلامي افغانستان



«اعلان مجدد دعوت به داوطلبی روش باز داخلی»

شماره دعوت به داوطلبی: MAIL/IFAD/CLAP-IC/KBL24/01012021/NCB

پروژه زراعت و مالدارۍ به اشتراک مردم CLAP وزارت زراعت، آبیاری و مالدارۍ از تمام داوطلبان واجد شرایط دعوت می‌نماید تا در پروژه داوطلبی اعمار شبکه آبیاری خورد کابل قریه خورد کابل ولسوالۍ خاک جبار ولایت کابل را مطابق به احجام کاری ارایه شده در شرطنامه اشتراک نموده، شرطنامه مربوطه را در فلش دیسک (حافظه) بطور رایگان از آمریت تدارکات پروژه CLAP و یا از وب‌سایت اداره تدارکات ملی (www.npa.gov.af) و همچنان معلومات متذکره را می‌توانند از وب‌سایت وزارت زراعت، آبیاری و مالدارۍ (www.mail.gov.af) و وب‌سایت اکبر (www.acbar.org) بدست آورده، آفرهای خویش را مطابق شرایط مندرج شرطنامه و طبق قانون و طرزالعمل تدارکات به زبان انگلیسی طور سربسته از تاریخ نشر اعلان الی ۱۳/۰۵/۱۴۰۰ ساعت ۱۰:۰۰ بجه قبل از ظهر به آمریت تدارکات پروژه زراعت و مالدارۍ به اشتراک مردم، واقع تعمیر پامیر منزل پنجم وزارت زراعت، آبیاری و مالدارۍ تسلیم نمایند، آفرهای ناوقت رسیده و اینترنتی قابل پذیرش نمی‌باشد. جلسه آفرگشایی پروژه متذکره بتاريخ ۱۳/۰۵/۱۴۰۰ ساعت ۱۰:۰۰ بجه قبل از ظهر در دفتر پروژه CLAP واقع تعمیر پامیر منزل پنجم وزارت زراعت، آبیاری و مالدارۍ دایر می‌گردد. تضمین آفر بصورت تضمین خط بانکی مبلغ (۴۰۰,۰۰۰,۰۰۰) چهارصدهزار افغانی می‌باشد.

برای دستیابی به صلح، باید برنده‌ی میدان جنگ باشیم

اوزبیکستان برونند، و هزاره‌ها به گورستان» هیچگاه فراموش نمی‌شود. آنان تاحال هیچ گفتمان دینی برای دولت‌داری ارائه نکرده‌اند. برخی از پاسخ‌های آنان به خواست‌های جمهور مسلمین، نمایانگر بی‌اعتنایی‌شان در برابر احکام میرهن دینی است. مثلاً وقتی از آنان خواسته شد که در رمضان آتش‌بس کنند، در جواب گفتند «جهاد در رمضان ثواب بیشتر دارد!» این‌جاست، که علی‌رغم خروج نیروهای بین‌المللی از افغانستان، طالبان برای تحقق شعارهای اخیرالذکر، به جنگ ادامه داده، مخصوصاً شمال افغانستان را که موطن و خاستگاه اقوام مذکور است، در محراق توجه خود قرار داده‌اند. گفته می‌شود که در این امر برخی از حلقات حکومت با آنان هماهنگی دارند؛ شهادت مأمورین عالی‌رتبه‌ی نظامی و سیاسی خارجی (مخصوصاً امریکایی‌ها)، و پیام‌های صوتی برخی از مشاوران عالی‌رتبه‌ی دولت، دال بر درست‌بودن این ادعا است. به شهادت یکی از آنان، حامد کرزی در دوره‌ی ریاست‌جمهوری خویش، نظریه‌ی انتقال طالبان به شمال را مطرح کرد و آقایان حنیف اتمر و مجتبا پتنگ (هردو وزیران داخله‌ی وقت) آن‌را به اجرا درآوردند. اینان طالبان را همچون بازوی نظامی خویش برای برآورده‌شدن اهداف فوق می‌دانند. خاطرخواهی طالبان از سوی دولت، نه‌تنها جلو نابودی این گروه را گرفت بلکه تصویر مغشوشی از دشمن در چشم و ذهن نیروهای دفاعی و امنیتی کشور ترسیم کرد. این نکته راز تلفات سنگین نیروهای دفاعی-امنیتی را برملا می‌سازد. این دو ملاحظه، پیچیدگی بحران افغانستان را نشان می‌دهد و چشم‌انداز صلح را بسی مغشوش و مکدر می‌نمایاند. فقط با ادام‌هی ایستادگی و مقاومت می‌توان پرده‌های ابهام را بالا زد، دوست و دشمن را ازهم تمیز داد، و تمامی مناطق ازدست‌رفته را از طالبان بازپس گرفت. آن‌گاه که طالبان خود را در میدان نبرد بالادست نبینند، بی‌گمان به میز مذاکره بر می‌گردند.



غیرقابل‌قبول» خوانده، خواهان بازگردانیدن اراضی آن‌سوی خط، تا رود سند، به افغانستان شده است.

از این مقدمات می‌توان نتیجه گرفت که قشر سیاسی حاکم بر افغانستان، آماده‌ی صلح با پاکستان، که حامی و محرک اصلی طالبان است، نیستند. بدون آمادگی این قشر برای اعتراف به آن حقیقت آشکار، توقع صلح داشتن، امر بی‌پوده است.

دوم طالبان بیش از این‌که یک فرقه یا نحله‌ی دینی باشند، یک گروه یا دسته‌ی قومی‌اند. مینا و انگیزه‌ی اولی آنان برای قیام علیه دولت شهید استاد برهان‌الدین ربانی، کاملاً ملاحظات قومی بود. وجیزه‌های سخن‌گوی آن وقت طالبان که می‌گفت «تاجیکان به تاجیکستان برونند، اوزبیکان به

ولی اگر در محاسبات خود از ذکر دو عامل دیگر فروگذار شویم، در شناخت انگیزه‌های طالبان برای ادامه‌ی جنگ درمی‌مانیم، زیرا:

نخست آن‌چنان‌که اشاره شد، پاکستان برای ختم جنگ و برقراری صلح آماده نیست؛ کما این‌که اخیراً وزیر خارجه‌ی آن کشور بدون روپوشی، ادعای برخی از حلقات دولت افغانستان بر اراضی آن‌سوی خط دیورند را از اسباب نبود مناسبات حسنه میان دو کشور عنوان کرد. در حالی‌که تمامی کشورهای جهان (بدون استثنا)، خط دیورند را مرز رسمی و بین‌المللی میان افغانستان و پاکستان می‌شناسند؛ مقامات عالی‌رتبه‌ی دولت افغانستان وقتاً فوقتاً (از جمله رییس‌جمهور همین امروز در خوست)، آن‌را «خط فرضی

دکتر محیی‌الدین مهدی

این سخن با قول معروف که «مشکل افغانستان راه حل نظامی ندارد» در تضاد نیست، ولی باید هردو سوی جنگ به این قاعده تن دردهند. طالبان که خود را برنده‌ی جنگ می‌دانند، این قول را قبول ندارند؛ آنان تاهنوز پیروزی نظامی خود را امر مسلم می‌دانند.

باری نوشته بودم: «چنین می‌نماید که طالبان تا توانایی دفاعی حکومت افغانستان بدون حمایه‌ی خارجی را، نیازمایند، به صلح تن نخواهند داد.»

بنابراین، در شرایط کنونی، نباید صلح دستور کاری دولت و نیروهای مخالف طالب باشد؛ در این وضعیت دم‌زدن از صلح، حمل بر ضعف و ناتوانی گردیده، طالبان را بیش از این جسور و گستاخ می‌سازد. آنان باید متقاعد گردند که در جنگ پیروز نخواهند شد.

چنان‌که دیدیم مساعی جهانی، فتاوا و توصیه‌های علمای جهان اسلام، پادرمیانی کشورهای مسلمان، هیچکدام، ثمری به‌بار نیاوردند. طالبان میز مذاکره را ترک نموده، از صلح رو برتافته، رویکرد جنگ را دستور کار خویش قرار دادند تا، چنان‌که گفتم، در نبود حمایه‌ی خارجی، توانایی‌های خود و طرف مقابل را بیازمایند. ظاهراً اکثر کشورهای اثرگذار در قضایای افغانستان، عدم موافقت خود با اعاده‌ی امارت طالبانی را ابراز داشته‌اند. همسایه‌های افغانستان – به شمول پاکستان – مخالفت یا نگرانی خود را از وقوع احتمالی چنین امری، برملا ساخته‌اند. با خروج نیروهای بین‌المللی از افغانستان، حیل‌هی شرعی طالبان (یعنی جنایاتی را که آنان جهاد می‌خوانند)، بلااثر گردیده است. بدین ترتیب طالبان در انزوای سیاسی، و واماندگی یا قحط فتوای دینی قرار گرفته‌اند. یعنی به قول معروف «شرایط ذهنی و عینی» به نفع نیروهای دفاعی-امنیتی، و نیروهای خیزش مردمی فراهم شده است.



دکترهنی، اوپولگولوواو مالداري وزارت
وزارت زراعت، آبيباري ومالداري

د افغانستان اسلامي جمهوري دولت
دولت جمهوري اسلامي افغانستان

برنامه حمايت از برنامه هاي ملي داراي اولويت دوم



«اطلاعيه تصميم اعطاي قرارداد»

بدینوسیله به تاسی از فقره (۲) ماده چهل و سوم قانون تدارکات به اطلاع عموم رسانیده می‌شود، که برنامه حمایت از برنامه‌های ملی دارای اولویت دوم SNaPP2 وزارت زراعت، آبیاری و مالداري در نظر دارد، که اطلاعيه تصميم اعطاي قرارداد، پروژه (تهيه و خريداري بسته‌های ابزار جهت ترويج شالي برای ولايت‌های بلخ، هرات، بغلان و ننگرهار) را با شرکت محترم (تجارتی محسن سهاک) دارای جواز نمبر (۴۱۱۷۲) آدرس – کارته‌نو قریه ملاخیل مرکز کابل، کابل افغانستان به قیمت مجموعی (۲,۵۴۰,۲۴۰.۰۰) دومیلیون و پنج‌صد و چهل‌هزار و سه‌صد و چهل افغانی اعطاء نماید.

اشخاص حقیقی و حکمی که هرگونه اعتراض در زمینه داشته باشند، می‌توانند اعتراض خویش را از تاریخ نشر این اعلان الی هفت روز تقویمی طور کتبی توأم با دلایل آن به آمریت تدارکات برنامه حمایت از برنامه‌های ملی دارای اولویت دوم SNaPP2 وزارت زراعت، آبیاری و مالداري واقع جمال‌مینه ناحیه سوم کابل، افغانستان طبق احکام ماده پنجاهم قانون تدارکات ارائه نمایند.

این اطلاعيه به معنی عقد قرارداد نبوده و الی تکمیل میعاد فوق‌الذکر و طی مراحل قانونی بعدی، قرارداد منعقد نخواهد شد.

The ministry of communication and IT,now invites expression of interest from eligible and qualified firms and companies to indicate interest in providing the services (Afghanistan Root Certificate Authority Infrastructure).

The (REOI) and (TOR) can be accessed through MCIT and NPA’S formal websites(www.mcit.gov.af),(www.npa.gov.af), and by sending to emails ,which are given below,or can visit to the consultancy procurement department in 14th floor of MCIT’building Muhammad jan khan watt,in order,to receive the soft copies.

The interesting documents can be delivered in accordance (TOR) and (REOI) requirements to the consultancy procurement department in 14th floor MCIT building from the advertisement /releasing date TILL 10:00 AM 31/JULY/2021.

The interested consultancy firms ,who submit their EOI soft documents to the emails which are given below they must submit the hard documents wighin 7 days after valid date,Otherwise,they will be disqualified.

REQUEST FOR EXPRESSIONS OF INTEREST(REOI)

Procurement Entity	Ministry Of Communications &Information Technology(MCIT),Islamic Republic of Afghanistan		
Funded By	Afghanistan GOV.		
Item Description/Ref No.	Afghanistan Root Certificate Authority Infrastructure, MCIT/1400/ICB/NC-24/QCBS		
Deadline For EOI Submission	31 july /2021 by 10:00: AM(local time)		
Address for Submission Of EOIs	Procurement Directorate 14th Floor MCIT Building Muhammad Jan Khan Watt Kabul Afghanistan ,And consultants can Submit EOI through emails as well ,which are given below.		
REOI & TOR are available at	www.mcit.gov.af,www.npa.org.af ‘In case of any problems in downloading,may obtain the same by sending e-mail at the address given below email addresses: ,rahibkakar123@gmail.com, m.tech1369 @gmail.com , aslamsherzad77@gmail.com		

هر روز روزنامه اطلاعات روز را پشت در منزلتان دریافت کنید

Subscribe to Daily Etilaat Roz		برای ادارات دولتی و شرکت‌ها		قیمت: ۲۰ افغانی
6 Months	120\$ USD	۴۰۰۰ افغانی	شش ماهه	
Annual	200\$ USD	۷۰۰۰ افغانی	یک ساله	

یادداشت: تنها یادداشت روز دیدگاه رسمی اطلاعات روز می‌باشد. مسئولیت سایر نوشته‌ها به نویسندگان آن بر می‌گردد.



طالبان با تأسیسات عامه در ولسوالی‌های تحت حاکمیت‌شان در غرب کشور چه کردند؟



فروش وسایط نظامی در غور

ولسوالی شهرک در ۱۶، تولک در ۲۲ و ساغر در ۲۳ جوزا در ولایت غور به‌دست طالبان سقوط کرد. والی غور مدعی است که طالبان با تصرف ولسوالی‌های شهرک، تولک و ساغر، اموال ساختمان‌های دولتی را غارت کرده‌اند و بخشی از آن را به مردم محل به‌عنوان مال غنیمتی به فروش رسانده‌اند: «از میز، چوکی، تا درب و دروازه ساختمان‌های ولسوالی‌ها را به قیمت بسیار پایین به فروش رسانده‌اند و آنان جنایت نابخشوندی انجام داده‌اند و نباید مال بیت‌المال را این گونه به فروش می‌رساندند.»

براساس روایت والی غور، با سقوط هر ولسوالی به ارزش حدود ۵ تا ۱۰ میلیون افغانی طالبان به تأسیسات غیرنظامی زیان رسانده است.

مقام‌های محلی غور، یکی از دلایل عمده سقوط ولسوالی‌ها را مشکل در اکمالات نیروهای دولتی و همچنین طولانی‌بودن فاصله ولسوالی‌ها از مرکز ولایت غور عنوان می‌کنند. والی غور با صراحت می‌گوید که اگر در بخش اکمالات به مشکل مواجه نمی‌شدند، ولسوالی‌های شهرک، تولک و ساغر به‌دست طالبان سقوط نمی‌کرد.

عطامحمد دهقان‌پور، نماینده مجلس، طالبان را فاقد صلاحیت تصمیم‌گیری در مورد مسائل افغانستان می‌داند و از وابستگی شدید و اطاعت‌شان از پاکستان سخن می‌زند: «طالبان نه از نظام چیزی می‌فهمد و نه هم به فکر ساخت نظام است. طالب فقط به فکر چور و چپاول است. هرچه پاکستان برای طالبان بگوید، همان کار را انجام می‌دهند.»

او با اشاره به بن‌بست در مذاکرات صلح و تمایل‌نداشتن گروه طالبان مبنی بر گذاشتن اسلحه بر زمین، روند صلح با این گروه را را «بی‌معنی» و «وقت تلف‌کردن» عنوان می‌کند: «طالبان برای ملت‌سازی، مصالحه و نظام‌سازی

پیام را دارد که حکومت به آسانی نتواند دوباره مراکز اداری ولسوالی‌ها را فعال کند.

گروه طالبان پتانسیل لازم برای فعال‌سازی ولسوالی‌ها را ندارند؛ چرا که این‌کار هزینه‌شان را بلند می‌برد.

ولسوالی چخانسور در فاصله ۱۰۰ کیلومتری شرق شهر زرنج موقعیت دارد و روز یک‌شنبه، ۳۰ جوزا به‌دست طالبان سقوط کرد.

صدیق چخانسوری، مشاور والی نیمروز به روزنامه اطلاعات روز می‌گوید که گروه طالبان بخشی از اموال این ولسوالی را غارت کرده‌اند: «در کل افغانستان وضعیت امنیتی خراب است و ناامنی و بدبختی بیشتر شده است و نباید طالبان دست به تخریب ساختمان‌ها بزنند.»

چخانسور با ولایت‌های ناامن فراه و هلمند مرز مشترک دارد و این آسیب‌پذیری این ولسوالی را بیشتر کرده بود و زمینه سقوط آن را فراهم ساخت.

نیروهای دولتی پس از ترک «کمپ خالد» در بالامرغاب، تمام تجهیزات نظامی به‌شمول تانک‌های هاموی را تخریب کرده‌اند تا این تجهیزات به‌دست طالبان قرار نگیرد. آقای اکازی می‌گوید طالبان پس از خروج نیروهای دولتی، آهن‌الات این کمپ را به ارزش بیش از ۱۰ میلیون افغانی به یک تاجر فروخته‌اند.

”

”

پل و پلچک‌ها را با مواد انفجاری نیست و نابود کردند. او مدعی است که گروه طالبان در ولسوالی لاش‌وجوین حدود ۱۸ غیرنظامی به‌شمول معلمان مکاتب را به رگبار گلوله بستند.

مقام‌های محلی فراه میزان خساره طالبان را زیاد می‌دانند، اما به‌دلیل دسترسی نداشتن به ولسوالی‌های اناردره، پشت‌کوه و لاش‌وجوین میزان تخریب را مشخص کرده نمی‌توانند.

شاه‌محمود نعیمی، معاون شورای ولایتی فراه در مصاحبه با روزنامه اطلاعات روز می‌گوید که طالبان حتا به غیرنظامیان حامی حکومت در ولسوالی لاش‌وجوین رحم نکردند و بیش از ۱۲ تن را کشتند.

پس از سقوط لاش‌وجوین به‌دست طالبان، بخشی از زخمیان نیروهای دولتی به ولسوالی خاشرود فرار کرده بودند، اما به گفته‌ی، معاون شورای ولایتی فراه، این زخمیان بی‌خبر از این‌که به‌ایست بازرسی طالبان مواجه می‌شوند: «دو نیروی دولتی و دو تن از همراهان‌شان را طالبان به شکل بی‌رحمانه در مسیر نیمروز تیرباران کردند. طالبان در ولسوالی لاش‌وجوین با هر کس کینه و دشمنی داشتند، با شلیک گلوله تصفیه حساب کرده‌اند.»

از ۱۰ ولسوالی ولایت فراه، تنها کنترل پرچمن و بالابلوک به‌دست حکومت است و در دیگر ولسوالی‌ها طالبان قدرت را به‌دست دارند. تاکنون حکومت بندر شیخ ابونصر فراهی مربوط در ولسوال پشت‌کوه و فاصله ۱۲۰ کیلومتر غرب شهر فراه را در اختیار دارد.

لاش‌وجوین در معرض سرازیرشدن سیلاب‌های مرگبار قرار دارد و تخریب پلچک‌ها میزان آسیب‌پذیری ساکنان این ولسوالی را به میزان چشم‌گیری افزایش می‌دهد.

به باور شاه‌محمود نعیمی، معاون شورای ولایتی فراه، تخریب مکان‌های دولتی و زیربناها، این

واجد روحانی - هرات

منابع محلی در غرب کشور می‌گویند که ولسوالی‌های اوبه ولایت هرات، شهرک، ساغر و تولک ولایت غور، جوند ولایت بادغیس، لاش‌وجوین، اناردره و پشت‌کوه ولایت فراه، خاشرود ولایت نیمروز، طی دو هفته اخیر به‌دست طالبان سقوط کرده است.

حالا طالبان بیش از هر زمانی پس از سقوط رژیم‌شان در سال ۲۰۰۱ میلادی توسط ائتلاف جهانی به رهبری ایالات متحده امریکا در ولایت‌های غربی جغرافیا در اختیار دارند، اما مقام‌های ارشد و نمایندگان مردم این ولایت‌ها مدعی‌اند که طالبان با تصرف ولسوالی‌ها، دست به تخریب تأسیسات دولتی، «غارت»، «چور و چپاول» اموال و حتا رگبار غیرنظامیان زده‌اند. اما گروه طالبان این اتهامات را رد می‌کند.

کشتار و ویرانی

نیروهای دولتی جمعه، ۲۸ جوزا، قرارگاه‌شان را در ولسوالی اوبه در شرق شهر هرات تخلیه کردند. ضیاءالحق نوری، ولسوال اوبه به روزنامه اطلاعات روز می‌گوید که این ولسوالی به‌دلیل محاصره شدید ۴۰ روزه و نرسیدن نیروهای کمکی، به‌دست طالبان سقوط کرده است.

با خروج حدود ۱۵۰ نیروی دولتی از قرارگاه‌شان در اوبه، این ولسوالی به گونه‌ی کامل به‌دست طالبان سقوط کرد. عکس و ویدیوهایی که در شبکه‌های اجتماعی از اوبه نشر شده، نشان می‌دهد که طالبان بخشی از تأسیسات دولتی و عام‌المنفعه را تخریب، وسایل اداری و تجهیزات نظامی قابل حمل را غارت کرده‌اند.

عبدالصبور قانع، والی هرات در گفت‌وگو با روزنامه اطلاعات روز می‌گوید که طالبان در ولسوالی اوبه، پل‌ها و پلچک‌ها را تخریب و بخشی از امکانات دولتی را چور و چپاول کرده‌اند: «طالبان بیشترین تلفات را به غیرنظامیان وارد کرده‌اند و تأسیسات آب‌رسانی را خراب کردند.»

ولسوالی «لاش‌وجوین» در بیست و دوم جوزا، «نار دره» و «پشت‌کوه» ۲۹ ماه جوزا از کنترل کامل حکومت خارج شد. پخش ویدیویی از انفجار تأسیسات ساختمان ولسوالی و فرماندهی پولیس اناردره در شبکه‌های اجتماعی با موجی از انتقادات مواجه شده است.

با تیرگی اوضاع امنیتی در ولایت فراه، تاج‌محمد جاهد از سمت والی این ولایت برکنار و به‌جای آن مسعود بختور گماشته شد. او پیش‌تر نیز به‌عنوان معاون والی کار کرده بود. او در صحبت با روزنامه اطلاعات روز، تخریب تأسیسات و زیربناها را کار طالبان وفادار به سازمان استخبارات پاکستان می‌داند. او با لحن تند از عملکرد گروه طالبان مبنی بر تخریب زیربناها انتقاد می‌کند: «دشمن ما یک دشمن ظالم و وحشی است و هیچ وفاداری به منافع ملی ندارد. پاکستان بی‌شرمانه می‌خواهد که تأسیسات عامه و سرمایه‌های کلان افغانستان از بین برده شود.»

به گفته‌ی والی فراه، از شش ماه به این‌سو، گروه طالبان رویکرد جنگی‌شان را به‌خاطر آماج قراردادن تأسیسات دولتی و زیربناها تغییر داده‌اند و این نگران‌کننده است.

مسعود بختور، والی فراه مدعی است که طالبان در ولسوالی‌های اناردره، پشت‌کوه، لاش‌وجوین، ساختمان‌های دولتی، مکاتب تأسیسات نظامی،

• صاحب امتیاز و مدیرمسئول: ذکی دریابی zaki.daryabi2@gmail.com

• سردبیر چاپی: خادم‌حسین کریمی ۰۷۸۵۴۲۸۵۴۰

• سردبیر آنلاین: الیاس نواندیش

• گزارش‌گران و خبرنگاران: ابوذر ملک‌نژاد، جلیل رونق، سهراب سروش، عابر شایگان، عباس اسدیان، معصومه جعفری، عصمت‌الله سروش، لطف‌علی سلطانی، لیاقت لایق، هادی خوشنویس،

واجد روحانی و فریضه عالمی

• بخش صلح: حسین‌علی کریمی، عباس عارفی و فاطمه فرامرز

• مترجم: جلیل پژواک

• ویراستار: شیر مهریار

• صفحه‌آرا: محمدرضا مظفری

• ارتباطات و روابط عمومی: محمدحسین جويا

• ایمیل: dailyetilaatroz@gmail.com

• شماره تماس: ۰۷۶۷۱۵۲۰۶۲ - ۰۷۶۷۴۳۵۷۷۷

• توزیع: کانون فرهنگی زنگ صبح ۰۷۴۴۰۲۱۹۵۲

• شماره تماس: ۰۷۲۹۱۱۹۵۵۱ - ۰۲۰۲۵۰۰۱۸۷

• آدرس: کابل، کارته‌سه